

(قیمت سالیانه)
از وزرا و اعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقائع نگاران (فخری)
رایگان
از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه
نمی‌بند اندکلیسی با محصول یوست
از طلاق و محصلین نصف قیمت
شناخته
داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شلنگ

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث می‌شود

(مطبوعه واداره خانه)

(ده افغانان کابل)

سر دیر

سید محمد قاسم

مه امورات تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات
وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر می‌شود

او را فیکه درج نشود اعاده نمی‌شود

امان و خوش

مر ۱۳۷۳

از اینای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده می‌شود

قیمت یک شماره یک عیاری

(شنبه)

تاریخ شمسی (۲۷) جدی (۱۴۰۳) هجری

شان در هیئت تنظیمی غزنه علاوه از جلوگیری تجاوزات اشمار و تهیه مهمات و معدات حربی و قشون ملکی باصلاحات امور کشوری آنها هم عطف توجه مخصوصی نموده کارهای خوبی انجام داده اند ازان جمله توجه و اهمیت فوق العاده به معارف غزنه است که قدر و قیمت آن بنظر اهل بصیرت و عقیده مالز هر چیز بیشتر و مهمتر است در جمع آوری طبله و تشویق و ترغیب شان بنفس خود اهتمام ورزیده ضروریات تحصیلات شان را از هر رهگذر که بود فراهم آورده اند. عده زیادی از اینای متولی و اشخاص معروف و غیرهم را که قابلیت و موزویت تحصیل را از حیث عمر و بحث و غیره داشتند تازه داخل مکتب نموده اند.

باری باقضای وطن دوستی تکلیف خود را در این میدین که نظر دقت هوطنان وزرگان خود را بسوی این نکته معطوف داشته یاد آور شوم که امروزه بهترین کارها این است که به ترتیب و تعلیم اولاد وطن کوشش نمایند چرا که تادر ملکت معارف ترق نکند ملت دارای هیچ چیز نخواهد شد.

در خانه از مسامعی عرفان پرورانه و توجهات دیندارانه حضرت عالی وزیر صاحب امور داخلیه در باب ترق عرفانی غزنه اظهار تشکر و امتنان می‌نمایم و امیدوارم که هیئت به همجه عملیات نافعه قیمتی که نام نیکی دنیا را سبب و تواب اخروی را باعث است توجه مخصوصی داشته باشد. هر کس اولاد برادر نوعی خود را در ترتیب و تحصیل معاونت نماید هر آئینه توابش یعنی ازان خواهد بود که تصور را بران احاطه باشد.

معارف پروردگاری

حضرت عالی وزیر صاحب داخلیه

هر ذی شعور مدرك ، به این نکته میداند که تفوق و مزیت نوع انسان بر سایر انواع حیوان محض به داشتن علم و دانش است. علم است که انسان را دارای هر گونه شرف و امتیاز می‌سازد. علم است که انسان را به راه سداد و طریق رشاد رهیبی نموده سعادت حل و مآل او را تأمین می‌نماید .

اول تکلیفیکه در مذهب مقدس اسلام برمما واردست همان داستن خداوند تبارک و تعالی ، و وسائل احکام آلهه از او امر و نبوی است ، و همین داستن کارهاییکه بشر را به صلاح و حسن اخلاق و معاشرت دعوت کند و از بدیها و ذمائم دوری دهد بدیهی است که حصول هیچ یک ازان مقاصد عالیه دست نمیدهد مگر به پاری علم و دانش .

اصرور وظیفه هر شخص متدین و تکلیف هر آدم وطن پرور همین است که اولاد های خود و برادران و بنی نوع خود را بـنگاتب بـفرستد تـا تعلیم و زـریه و صـاحب علم و عـرفان بشـوند که سـرمایه هر گونه سـعادت ظـاهری وـباطـنی است . هـر کـاه کـسی طـلفـی رـا باعـث آـموختـن علم شـود مثل اـین است کـه یـک نفس رـا اـجـیـاـ کـرـدـه وـاـورـا اـز مرـگـ وـهـلـاـکـتـ نـجـاتـ دـادـه است وـهـرـکـس یـک نفس رـا اـجـیـاـ کـرـدـه اـنـدـ مـانـدـ اـینـ است کـه هـمـ مرـدـ رـا اـجـیـاـ کـرـدـه است .

در این روزها یکی از اهل معارف اظهار داشت که حضرت عالی جناب غلام محمد خان صاحب وزیر داخلیه در موقع ریاست

محروم و بیهوش بوده درین ویسارش افتاده اند غاس کرده اذیت میرساند، و بالمقابل از طرف آنان نیز بهمین ترتیب جراحتش متاذی گشته خاجان پیدا میکند. این تحركات متقابل، آلام و اضطرابات را که ذاتاً موجود است، متقابلاً میافزاید.

(۱) روح بشر از ازل مضطرب بوده تنه راحت و رفاه است.

حیزیک حیات را به اضطراب میآرد واوراً از راحت و رفاهیک به آن تشه است دور و مهجو میگذارد، علاقه حیات است. چون که حیات محدود و علاقه حیات نامحدود است، حیات در محاصره تلخ علاقه خویش برای بدست آوردن یک فرجه راحت و رفاه داشما میطب و طیش او قطع نمیشود. حیات که سینه و سمع آبداش از آرزوی وصال به آمال گون خویش پر و بریز است برای نیل به آن فقط و فقط همین یک طریقه ویک وسیله را مالک است که عبارت از مجادله و مبارزه باشد.

یک غنجه آرزو باهزار خار جانخراش محاط و محصور است. در هرگامیک بشر بسوی مقصد میبردارد هزار خار حرمان و هجران به سینه نالان او میخورد. حرمان و هجران است که باعث آلام و اضطرابات حیات میگردد. حکیم شهرمان جناب فخر الدین رازی میفرمایند: تمام آلام و اضطرابات حیات از افتراقات و حرمان های مادی و معنوی تولد میشود. حتی آلام و اضطراباتیک خسته گیها و بیماریها را تولید مینماید از افتراقات حاصله در میان انسجه ناظمه حجیرات حیاتیه تولد میباشد.

آسایش و راحت مادی و معنوی حیات نیز مربوط است به داشتن چنان یک وصال و اتصال نام با آرزوهای خویش که در میان انسجه ناظمه حجیرات عضوی است. لآن مثلیک یک شاعر فیلسوف نظر گفت: (ماکل ما یعنی المره یدر که تجربی الایح بسالاً شنتی السفن.)

هر کس دائنا وصال و اتصال باکلیه آرزو های قلی خویش را نائل نمیشود، باد وصال اهل، به استقامی که سینه حیات را تعیب نمودن میخواهد همه وقت نمیوزد. حیات به تعیب آرزوی خویش در کوچه های غیر نافذ طول امل سرگردان و دوان، بیتاب و نابوان میماند، حینک در راه املش به شب تیره و تاریک محبویت یک منفذ نجات و ظفر تلاش مینماید باسان آلام و اضطرابات که دست حرمان بسینه او میخالند. محروم الفؤاد

گردیده روی خاک یاں میغلطد و یک فریاد رسیک بسینه سوزان او یک قدره اب تسلی بر زاند، یا بر جریمه جان خزان او مرهم تشفی بگذارد چشم انتظار او نگران میماند. در موقعیک از باعث تحریک مراتت و اضطراب الم میطب بهر طرف دست و با میزند و دست وباش به جراحات اینی نوعش که آنها هم مثل خودش

اطفال یا ملاحظات دیگر طفل را محبور بکشوت و حرفت موروف کند این محوریت نه تنها کودک بیچاره را دوچار بدینه میگاند بلکه بسا میشود که رسوانی را مخالفاده او جاب میگند و شاید در کشاکش حوات دهن باس قومیت و ملت هم خلل میرساند چه بسیار میشود که میل طبیعی طفل بغير کشوت و حرفت موروف است، طبع او رای آن کشوت ساز کار نیست و دماغ او برای آن حرفت ساخته شده است.

شفل برای شخص نامناسب و شخص برای کار نااصل، کی است هنوز فساد زر ک این کار را در عالم اجتماعی. بلي اختلاف سلیقها و طبیعتها مانند اختلاف سورتها و خلقها است، پس بر اولیای اطفال است که در آغاز جوانی حق اختیار نمودن کشوت و حرفت را از نورسان خود غصب نمایند آنها امتحن خود برسانند آرزوی خانواده را حفظ دارند و شاید تحصیل شرف هم نمایند زیرا که طفل چون در انتخاب کشوت و حرفت آزاد شد یا جامه موروف را اختیار میکند و حرفت بدیر را یزدی مینماید که هم و نک خانواده است. واگر تغیر و تبدیل داد، یا بکشوت و حرفت محقق تری تبدیل میدهد یا پیشتر، اگر بسترسید نا اهل از خانواده بیرون رفته و بروی خانواده حفظ مانده، واگر هر تبدیل وبالارشد دری از شرافت و افتخار بروی خانواده گشوده گشته است. وهم باس اجتماعی خدمت شده زیرا که کار باهل خود واهل بکار خویش رسیده است.

کسی تصور نکند که میخواهم اختلاف کشوت و حرفت را در بلندی و سق مقام افراد ملت مدخلیت ندهم، (به) زیرا که کسوتهای و حرقتها هم در جای خود احترام دارند و در طلم اجتماعی وضع و شریف یکسانند شرافت مور وند لفو است قدم تقدم فضل است و امتیاز تها بدانشمندی و پرهیز کاری، (ان اکرمک عنده الله اتفیک) و تا اصل مطلب را روشنتر نموده باشم مینویسم که اگر در احوال اجتماعی خود بدیده بصیرت نظر نایم، خواهیم دید که اغلب علمای بزرگ روحانی مثلاً که مصدر خدمات مهم بین و ملت شده اند، شرافت اول سلسله بودن را دارا بوده اند وهم چنین بسیاری از مردمان بزرگ از ار باب شمشیر و قلم وغیره که خدمات بزرگ نموده اند در کشوت و حرفت خود اول سلسله میباشند و از طرف دیگر ملاحظه میکنیم از وجود نااهلان در کشوت و حرفت مور ون چه بختیهای شامل حال قوم شده و میشود و چه خیانتها بدولت ملت نموده و مینمایند، پس روحانی زاده باشد، و هیچ قوه اورا بدر برگردان جامه موروف و بیروی نمودن از حرفت پدری محبور نماید. که اگر در این مورد میل اولیای

یک درس مهم تریه وی
و اجتماعی
با

دوره زندگانی

(آخر بحیای دولت آبادی)

اول حق کشوت و حرفت است که چون طفل دارای اختیار و صاحب رأی مستقل گردید، در انتخاب کشوت و حرفت آزاد باشد، و هیچ قوه اورا بدر برگردان جامه موروف و بیروی نمودن از حرفت پدری محبور نماید. که اگر در این مورد میل اولیای

تشکیل نداده و همسری اختیار نموده است، خیر و شر زندگانی او بخود و خانواده که در آن زیست مینماید میرسد. اما جون در قسم دوم زندگان از نقطه نظر اجتماعی قدم نهاد و شریک برای خود اختیار کرد، خیر و شر و از خود و خانواده اش تجاوز کرده بدیگری سرایت میکند، و دست این تجاوز بدامان علم اجتماعی میرسد و بلکه باسعادت و شفاوت دنیاراه پیدا میکند.

بلی سعادت دنیا بسعادت ملتها است. و سعادت ملتها بسعادت قومها، و سعادت قومها بسعادت قیلها، و سعادت قیلها بسعادت خانواده ها، و سعادت خانواده حاصل نمیشود مگر بمحسن تشكیل خانواده و حسن تشكیل خانواده مربوط است بحسن انتخاب تشکیل کشند کان، و حسن انتخاب با مقوریت و محیوریت صورت پذیرد. انسان جوان که خواهد از علم تنهائی برخشد و در عرصه زندگانی و میگویم: اگر بفسد های بزرگ که در علم اجتماعی ما هویند است بدیده دقت نظر نمائیم خواهیم دید که سرچشمها اینها باز نیگردد مگر بنقطه بدی تشكیل خانواده ها، و بدی مزبور راجع نیگردد. بر بخط و خطای که در موقع تبدیل زندگانی منفرد زندگانی باعیر صورت میپذیرد، و مهمترین خطای مزبور سلب اختیار و غصب حق جوانان است در این مقام.

بلی چیزیک درین مسئله مهم باشاره مختصر قاعات نموده میگذرد و میگویم: اگر بفسد های بزرگ که در علم اجتماعی ما هویند است بدیده دقت نظر نمائیم خواهیم دید که سرچشمها اینها باز نیگردد مگر بنقطه بدی تشكیل خانواده ها، و بدی مزبور راجع نیگردد. بر بخط و خطای که در موقع تبدیل زندگانی منفرد زندگانی باعیر صورت میپذیرد، و مهمترین خطای مزبور سلب اختیار و غصب حق جوانان است در این مقام.

بلی چیزیک درین مسئله قابل توجه است که در امور مذهبی، در عادات و رسوم نیکوی ملی، در آب و هوای و مکان، در احوال جسمانی و روحانی، و در احتیاجات زندگانی خانوادگی و عتلانی، اختلاف بسیار میان مردم مشرق و مغرب است. و هیچ‌امنیتواند از یکدیگر تقلید و تبعیت کامل ننماید، در این صورت بر ملت ما لازم است که از روی یخباری تقلید جاهلانه نکند و آزادی را بتبیت نمودن از عادات و رسوم غریبان تغیر ننمایند و بدآمد که آزادی و رق هر قوم باید در حدود احتیاجات طبیعی و در داره آداب و رسوم نیکوی ملی و احکام دینی، مناسب باحوال جسمی و روحی آن قوم و باقتصای آب و هوای آن مملکت بوده باشد، تbagی نفع ضرر نسازد و بجای ترق نمودن تنزل ندهد، که اگر غیر از این باشد، در تقلید جاهلانه کردن آنچه داریم از دست میرود و آنچه میطلیم بدست نماید و روان حافظ شاد که گفت.

(گشت ییمار که چون چشم توگر دد نرگس)

(شیوه این نشانش حاصل و ییمار بعائد) دیگر حق مهم جوانان که ممکن است مخصوص گردد، و روز کار زندگانی آنها را تیره و تار نماید، و بار کان علم اجتماعی خال بررسد. حق زنا شویست و آن در موقع تبدیل زندگانی تهاالت بزندگانی باعیر که ما در اول رساله تصریح کردیم بنقیم زندگی از نقطه نظر اجتماعی، آن هنکام که شخص به تنهائی زندگانی مینماید یعنی خانواده

شما را معلومات دادم اگر لازم دیدید درج اخبار خواهید فرمود. در خانه احترام و عرض سلام.

محمد سرور حاکم اعلای فراء و چخانسور

مکتب

(از وزارت داخلی)

به اداره امان افغان

چون در مائیخانه برق جلد السراج ش عدد مائین بود. که دو عدد آن دائر ویکی از زمان دراز خراب و ساکن بود. عن تند مستر حیوت و (ش) عزیز الله خان کرنیل مهندسین سابق هم از مائین مذکور کار نگرفته بلکه جین می گفتند که اولاً قبل اصلاح بوده و باز هم زیارتیکه سامان لازم ترمیم از خارج طلب نمود امکان پذیر نیست.

عن تند (و پر بخت) المان مستخدم دولت علیه مان از جندی است به خدمات برق مصروف خدمت آمد. درین این ماموریت خوش به ترمیم مائین مذکور مصمم گردید و ادوات لازم ترمیم آن را به مائیخانه ساخت و اکنون به نتیجه تصمیم خود کامیاب شده مائین مذکور را بکار انداخت.

وزارت داخلی از خدمت و صداقت مشارکه خوردند گردیده به انعام تقدی خاطر اورا مسروت ساخت از گیفت فوق الذکر اطلاع داده شد تا بوسیله اخبار اینانی وطن را مشغوف بازید.

۱۸ جدی - غلام محمد

اعطای نشان و آقای عبد الاحمد خان

مدیر تحریرات وزارت معارف

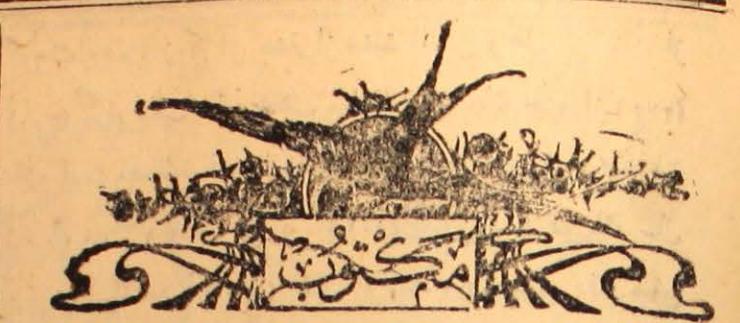
آقای عبد الاحمد خان از متخرجن دوره های اول درجه عالیه مدرسه حبیبه می باشد که از ابتدای صباوت آن آخر در خود مکتب تحصیلات خود را با کمال رسانیده آمد. آقای مشارکه بحسن اخلاق و آداب، فطانت و ذکاوت، جدیت و فعالیت موصوف بوده در موقع تحصیل بالعلوم فره اول یا دوم می بودند و در نظر اساتذه خوش حرمت و عزت تمام داشتند.

بعد از ختم تحصیلات چندی به تحصیل فن داکتری و زمانی

به تحصیل فن مهندسی برق در کارخانه برق جلد السراج زیر دست مستر (حیوت) امریکانی اشتغال داشتند. بس از رفق مستر حیوت دوباره به مکتب آمده هر روزه زمانی علوم شرقیه را تحصیل و باره اوقات بعض جماعت ها را درس میدادند.

در موقع توسعه داره معارف و تاسیس مکاتب به اطراف،

آقای عبد الاحمد خان نخستین شاگرد معارف بود که به طفه



از حکومتی اعلای فراء و چخانسور
راجع به معاونت مالی اهلی آنجا با حکومت
جناب ادب محترم سردار امان افغان دام فیوضانه!
از احسانات همدردانه امت فراء و صداقت کاری های
مامورین محترم که به جمع آوری دوکندک نظامی و تاده نمودن
یکمراه معاش آنان از مشاهده خود ها برای سر کوبی
باغیان منکل ابراز نموده بودند البته از شماره (۱۱) جریده
معترم طلوع افغان جناب عالی اخذ معلومات کافی نموده باشد
درین روز هاخوانین واعزه مردم نور زانی و علی زانی وبار کزانی
وبلوج وفارسی وغیره دوباره اظهار جانشانی وفادا کاری نموده
متتفاً حکومتی اعلای عارض شدند که:

نظر به معلومایکه داریم چنان می نماید که بقاوت منگ
حکومت مقدسه مان را تایک اندازه دوچار تکلیف مالی نموده
باشد لاجرم ما فدائیان دولت میخواهیم که بین مناسب یک مقدار
پول قلیلی اعطا کن به حکومت تقديم بداریم لهذا آرزوی منظوری
این خواهش خود را مینماییم. فدائی دولت جواباً بهایشان گفتم
الحمد لله تعالی و الله از توجه ذات اشرف شاهانه حکومت معظمه آن
بیل واقی داشته به همچه خسارت های جزوی محتاج به اعانت
نمی شود. بنابراین اعانه شما را ذات هایون هرگز نخواهند بذرفت
درین ضمن کلام مرا قطع کرده یک شوق فوق العاده معروض
نمودند که ما از ذخیره خزان خود تاحدی مسیویم و حضرت
خالق عظیم الشان جل عظمته را شکر میکنیم که حکومت معظمه
مان را از بذل توجه قائد روشن ضمیر مان اعلیحضرت اجد
غازی از هر گونه احتیاجات مستقیم ساخته ولی ما هر آینه
حکومت را از خود و خود را از حکومت می بنداریم یعنی ملت،
و دولت را جزو لا یافک میشماریم ازین روی اعلیه ناجیانه

خود را افتخار آبخزیه خوش تودیع مینیامیم.
مع ذلك فدائی دولت نظر بحسن عقاد و علاقه مندی مذکوران
آرزوی شان را بذیر قدم، نفری مذکور از هم دیگر سبقت و
یشقدمی نموده حتی اوس هر یک از بذجه اینجده رویه
یطمومار اعلیه مهر و امضاء نمودند.
اسمای ذوات محترم را به پسته آینده بدایه محترم تان تقديم
خواهیم کرد فعلاً محض از احسانات صداقت مندنه اهلی مذکور

کوچک بوده ، بزرگ آن بیشتر از مشت انسان و تقلیل آن زائد از (۳۰۰) گرام نیست ، قوت قاب معادل است یا یک جزو از (۲۷۵) جزو قوت مصطلح یک اسب . قلب در ظرف هر (۲۴) ساعت (۱۰۰،۰۰۰) دفعه می‌برد ، یا (۴۰) میلیون کرت در یک سال پرش می‌کند و در (۷۰) سال (۳۰۰) میلیون دفعه بدون انقطاع می‌برد و در هر پرش . خود ده لتر از خون وریدی در این این خود بیزیاند و از انجا برای تطهیر با (۱۳ کسیجن) به ریتن (هر دو شش) می‌پرسد . بعد از خون رفته به ریتن را پس مکده بگونه چب و ازانجا به بطین «ایسر داخل می‌سازد و از بطین ایسر به (اورطی) واز (اورطی) در کلیه شرائین جسم توزیع می‌نماید ، و با این ترتیب دوره خون در تمام جسم کامل می‌شود در هر ساعت (۳۰۰) لتر خون را قلب می‌مکد و در ریتن بالک وساف نموده دوباره به جسم می‌ساند . مقدار خونی که در (۷۰) سال قلب می‌مکد و در ریتن بالک وساف می‌کند و دوباره به جسم می‌پرسد ، بیشتر از (۴۰۰) هزار متر مکعب می‌شود .

آیا میدانید ؟

که - سرعت تلگراف بی‌سیم به سرعت رفتار روشی بر این و مساویست یعنی در ثانیه مسافت (۱۸۶۰۰) میل را طی می‌کند .
که - وزن خشکه زمین پنج و نیم بار از وزن آب دنیا اضافه تر است .
که - زمین کشتکاری نی شکر در هند به دو نیم میلیون قله میرسد .
که - هر کاه مرغ را هیشه دانه برجسته بدھید نزدی نخم او سفید می‌شود .
که - امریکا در عرصه یک سال بدرازی ... ۳۰۰ میل فلم سینما بدینا شایع نمود .

که - برای اینکه یک زنبور عسل یک خورد عسل حاصل بدهد شیره ۱۲۰۰ هزار شکوفه را باید مکید .
که - یک جرمی در صابوت چون دندانهای خود را یک مرضی باخته بود لبها را چنان ورزش داد که جوز را به دولب می‌شکستند .

که - بزو دی در از شدن ناخن دلیل صحبت و نشاط است
که - برای از زمین برداشتن یک عقرب یک ساعت که در نیویورک است ۱۶ نفر لازم است

که - همه آنماقی که در علم است اضافه از دو تن یعنی سه نیم خوار نیست

در مطبوعه امان افغان طبع گردید

مدیریت معارف در سمت شمالی مقرر گردیدند و از جدیت و فعال خویش در مدت قلیل اعانت مکاتب را تایکصدو چند هزار رسانیدند و (۱۹) مکتب در نقاط مهمه سمت شمالی در موقع متناسب و موزون جاری داشتند و تا سه و نیم هزار شاگرد را به این مکاتب داخل نمودند و معلمین را در عین زمان تحت تعلیم و تربیه گرفتند که این یک مهم ترین کارها بود . دران دور مکاتب سمت شمالی بهترین مکاتب وزارت معارف شمرده می‌شد . مدنی مدیریت مکاتب شش کروهی شهر نیز با مدیریت مکاتب سمت شمالی منضم گردیده آقای عبد الاحمد خان هردو جارا باحسن وجوده اداره نمودند . این هم در دوره وزارت جناب محمد سلیمان خان بود . در دوره حضرت عالی مردار حیات الله خان ، آقای عبد الاحمد خان در خود وزارت معارف به مدیریت تحریرات مقرر گردیدند والی آن بهمان وظيفة اشتغال دارند .
نظر به مجموع مزایای : دوام و استقامت و جدیت و حسن خدمات مهمه شان ، وزارت معارف او شان را مستحق اعطای نشان دیده مسئله را در انجمن معارف مطرح مطرح مذاکره ساخت هر یک از اعضای مجلس نسبت به ایشان اظهار رای نمود .
حضرت عالی معین صاحب وزارت فرمودند : اگر از جناب والا شان محمد سلیمانخان پر سیده شود که در دوره وزارت او شان بهترین مدیرها و فعال تر شان که بود ؟ می‌گویند عبد الاحمد خان هکندا حضرت عالی سردار حیات الله خان همین قسم اظهار میدارند ، اظهارات وزیر صاحب سکونی نسبت باو برای عموم معلوم است چنانچه روز وداع شان کیمک فقط از واظهار خوشی و کارهای او را تحسین و تمجید نموده در آخر یا کله اما ولاکن نسبت به او حیران نگفته‌هاین آقای عبد الاحمد خان بود . با جمله پس از مذاکرات طولانی همه اعضای مجلس متفق الكلمه اعطای نشان در جه دوم را که نظر به نظامنا مه نشانات مراج آخری مدیر هاست از حيث حسن خدمت ، برای او تصویب نمودند و اعتماد نامه آن باعضا شاهانه رسیده به آقای موصوف داده شد . آقای عبد الاحمد خان را به نیل این شرف و افتخار و سر بلندی و امتیاز تبریک می‌گویند و بیشتر برای شان توفیق خدمات مهم عرفانی را آرزو و نیاز داریم .

متوجه

(عجب قلب انسان)

کلیه آلات و ادواتیکه انسان تاینوقت ساخته ، در اقنان واستمرار عمل مقابله قلب انسان را نخواهد که (۸۰) یا (۷۰) سال بدون یک دقیقه توقف نمودن ، روغن دادن ، تنظیف کردن و اختلال در عملش وارد آمدن علی التوالی کار کشند . قلب انسان